

خیامی ها، مردانی کم نظیر!



اسماعیل رزم آسا
روزنامه‌نگار و پژوهشگر
تاریخ مطبوعات ایران

(قسمت اول)

تفویض فرماندهی کل قوا، از شاه، به رئیس دولت مورد مذاکره قرار گرفت و داستان نهم اسفند و حمله به خانه شماره ۱۰۹ خیابان کاخ (فلسطین فعلی) متعلق به مرحوم دکتر مصدق پیش آمد و می‌خواستند کار او را یکسره کنند و چون موفق نشدند گفتند " مرغ از قفس پرید!" و دکتر مصدق در نطق رادیویی ۱۷ اسفند ۳۱ گوشه‌هایی از توطئه‌هایی که به دست شاه و درباریان برضد ملت ایران انجام می‌شد برملا کرد، یک هیأت ۸ نفری از مجلس انتخاب شدند تا به این اختلافات رسیدگی نمایند (۳) بهداد که رهبری کلوپ مصدق را در مشهد عهده‌دار بود در جناح مرحوم " آیت الله کاشانی " قرار گرفت و به تهران آمد تا اینکه کودتای ۲۸ مرداد با همکاری عوامل بیگانه به وقوع پیوست، ولی خیامی‌ها راهشان را تغییر ندادند و همچنان جزو حامیان آن پیر روشن ضمیر و دلباخته وطن و دشمن سرسخت اجانب و خصم استعمارگر مکار، باقی ماندند اما با توجه به شرایط زمان ، به ظاهر فعالیت چشمگیری نداشتند.

خیامی‌ها آنچه داشتند نیک نامی و صداقت، عشق و علاقه به مردم بود. آنها از اینکه می‌دیدند سرمایه وطنشان برای خرید اتومبیل به خارج از کشور می‌رود و مشتی آهن وارد می‌شود رنج می‌بردند به همین جهت طرح تأسیس کارخانه ایران ناسیونال را به دولت پیشنهاد کردند و حکومت جز موافقت با آن و ایجاد تسهیلات چاره‌ای نداشت.

شاه با آنکه می‌دانست خیامی‌ها دل در گرو کسی دارند که وی حتی تحمل شنیدن نام او را ندارد معذالک هیچ به روی خود نیاورد و آنان را به حال خود وا گذاشت تا اینکه ایران ناسیونال «ایران ناسیونال» شد و امروز «ایران خودرو» و آن روز مانند همه طماعان روزگار از این نم کلاهی هم برای او!

{اکنون این را اضافه می‌کنم که: (ایران ناسیونال ضمن تولید اتومبیل برای مصرف داخلی، به خارج کشور هم صادرمی کرده برای نمونه در جلد دوم کتاب روز شمار تاریخ تألیف دکتر باقرعاقلی صفحه ۲۶۰ مینویسیم که برای ششمین بار یکصد دستگاه کامیون این کارخانه به رومانی صادر شده است. اکنون نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده که به نوشته روزنامه اطلاعات مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۸۸ صفحه روسیه می خواهد ۵۰۰۰ «پنج هزار» دستگاه مینی بوس " سوپول " و " گازیل " به ایران صادر کند!}



محمود خیامی که ایران ناسیونال را بنا نهاد



مرحوم احمد خیامی

شاه !) چنین نوشتیم:

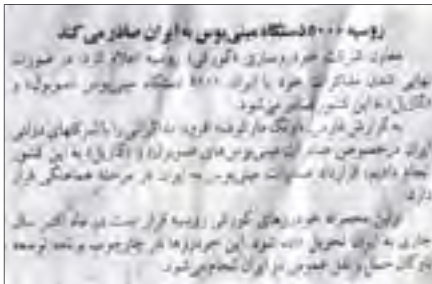
«احمد خیامی» یکی از معروفترین صنعتگران ایران در سال‌های پیش از انقلاب که از محبوبیت زیادی در میان کارگران برخوردار بود در خارج از کشور درگذشت. خیامی‌ها خراسانی‌الاصل و از «سادات حسینی» محسوب می‌شوند. احمد و محمود خیامی پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ درمشهد «اتحادیه جوانان سادات حسینی» را درمنزلی نزدیک ایستگاه سراب، در محلی که مرحوم «صادق بهداد» وکیل دادگستری (بعداً مدیر روزنامه جهان) «کلوپ مصدق» را دایر کرده بود تأسیس نمودند و با نهضت ملی شدن نفت همگام بوده و تا آنجا که به یاد دارم در کلیه تظاهرات ملی و میهنی شرکت می‌کردند و همواره از مدافعان حکومت مرحوم «دکترمحمد مصدق» بودند. {در کتاب تقویم تاریخ خراسان که توسط مرکز انقلاب اسلامی خراسان به چاپ رسیده در گزارش مربوط به روز ۱۳۳۰/۴/۸ که خبربرگزاری اجتماع انجمن‌های تبلیغات اسلامی، پیروان قرآن، کانون نشر حقایق اسلامی، حزب ایران و قاطبه اهالی مشهد درصحن نو را منعکس نموده، نام سادات حسینی نیز در آن دیده می‌شود که «آنها پس از سخنرانی در صفوف منظم در حال دادن شعارهای ملی، به طرف شرکت سابق نفت حرکت کردند».

هنگامی که مسأله اختیارات مرحله دوم مرحوم دکتر مصدق در مجلس هفدهم مطرح شد و موضوع

مرحوم احمد خیامی وصیت کرد: محل دفن او در مرکز ایاب و ذهاب کارگران باشد...

در شماره ۹۷۵ مورخ اول مرداد ۱۳۸۸ روزنامه اعتماد ملی طی مقاله‌ای با عنوان: (مردانی که بزرگترین کارخانه اتومبیل‌سازی را ساختند) به قلم محمد طاهری به وضع موجود شرکت ایران خودرو اشاره‌ای شده بود که البته من به اینکه به قول نویسنده، این شرکت: «... ورشکست شده و با ضرب و زور پول نفت این شرکت را سرپا نگه داشته» و یا به قولی سووددهی آن به صفر رسیده، کاری ندارم. (۱) به این هم که احمد و محمود خیامی از کجا به کجا رسیده و چگونه درمشهد با تلاش و کوشش خود رشد کردند کاری ندارم چه آنکه، بیش از آنچه نویسنده محترم نوشته بود، من در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۹ نوشتیم که به شرح آن خواهم پرداخت. ولی موضوعی که مورد نظر صاحب این قلم می‌باشد طرز فکر و روحیه مردم دوستی و عشق و علاقه آنها به مردم وطنشان می‌باشد و آنچه را می‌نویسم براساس روال شصت سال نویسنده‌گی (۲) و روزنامه‌نگاری‌ام، متکی به سند و ارائه آن اسناد است.

در اوائل سال ۱۳۷۹ که خبر درگذشت احمد خیامی منتشر شد، نظر به اطلاعاتی که از آنها در دوران اقامتشان در مشهد داشتم مقاله‌ای با عنوان: (خیامی ها در دوران



برگرفته از روزنامه اطلاعات ۱۵ مرداد ۸۸}

خیامی‌ها علاوه بر ایجاد کارخانه ایران ناسیونال کار دیگری هم کردند و آن تأسیس بیمارستان تخصصی «بیماران سرطانی امید» در مشهد بود که امروز پا برجاست. (۴)

بعد از انتشار این مقاله، به دو وصیت نامه متعلق به احمد و محمود خیامی دست یافتیم که در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۰۹ تهران در سال ۱۳۴۵ تنظیم شده است (۵) و ضمن ارائه تصویر آنها، به نقل قسمتی از آن می‌پردازم. با این توضیح که محمود خیامی در وصیت نامه‌اش محل دفن خود را در قبرستان عمومی قرارداده ولی مرحوم احمد خیامی که خود نوشته است: «بایستی وصی محلی را انتخاب نماید که مرکز رفت و آمد و ایاب و ذهاب کارگران باشد و بر مزارموصی هیچگونه سایه‌بان و نرده و اطافی نگذارند...» بقیه مطالب این دو وصیت نامه چندان تفاوتی با هم ندارند.

اکنون بخشی از وصیت‌نامه مرحوم احمد خیامی را که در دفترخانه شماره ۳۰۹ به شماره ۱۰۹۵۰ مورخ ۱۳۴۵/۶/۲۰ به ثبت

رسیده در اینجا می‌آوریم:

«... وصی و ناظر و قیم فرزندان صغار خود قرارداد جناب آقای سید محمود خیامی (برادرگرام) خود را که بعد از آنکه موسی دعوت حق را اجابت نمود سرپرستی صغرموصی را کلاً - و بدون استفاده چیزی (۶) به عنوان وصی و ناظر و قیم انجام دهد و محل دفن خود را محل فعلی کارخانه (جاده کرج) قرارداد که بایستی وصی محلی را انتخاب نماید که مرکز رفت و آمد و ایاب و ذهاب کارگران باشد و بر مزار موصی هیچگونه سایه‌بان و نرده و اطافی نگذارند و موسی یک ثلث از دارایی خود را از تاریخ زیر لغایت سی‌سال کامل شمسی برای خود حبس نمود که حق مصرف آن را عیناً ندارد و فقط حق دارند از درآمد حاصله از ثلث برای تعلیم آموزشی علمی و عملی و فنی و رسیدگی به کلیه امورات کارگران و فرزندان آنان که بی بضاعت باشند بنمایند و پس از انقضای مدت کلیه ثلث را به منظور تشکیل موسسه فنی با کلیه وسایل لازمه قراردادند و اقدام به تعلیم فنی کارگران بی‌بضاعت نمایند کلیه امورات این وصیت تا زمان حیات وصی (آقای سید محمود خیامی) با ایشان و پس از مشارالیه

با فرزندان ذکور و ارشد حی موسی خواهد بود که این وصیت‌نامه به آنها تفویض می‌شود و موظفند که عین ثلث را همیشه جاودان و برقرار بدارند. تخلف از مفاد این وصیت موجب عقوبت خداوند و موسی خواهد بود...»

در شماره بعد شرح حال و سختکوشی‌های مرحوم احمد خیامی را از زبان برادرش محمود خیامی می‌آوریم تا نسل جوان امروز بدانند ساختن ایرانی آباد با این گونه کوشش‌ها و تلاش‌ها میسر است که امروز ما را وادار می‌کند از کسی سخن بگوییم که قریب ده سال است سر بر تیره خاک گذارده ولی آثاری که از وی و برادرش به جای مانده و هزاران نفر در آن مشغول به کار هستند، نام او را زنده نگه داشته است.

نُورُن آن که ا و نیک کردار مُرد

بیاسود وجان را به یزدان سپرد

وزان کس ماند همی نام بد

از آغاز بد بود و فرجام بد ▲

پانویس‌ها:

۱- روزنامه اطلاعات مورخ ۱۴ مرداد ۸۸ از قول معاون وزیر صنایع اعلام کرد: «گروه صنعتی ایران خودرو، شرکتی ورشکسته نیست و یک افتخار ملی برای کشور است» اینکاش حداقل می‌گفت که این افتخار را دو برادر ایرانی که خراسانی هم بودند، نصیب این کشور کردند!

۲- در مقدمه مقاله شماره ۲۰۹ مورخ خرداد ۸۸ مربوط به قرارداد ۹۱۹، بر خلاف برخی از آقایان که مانند برخی از خانم‌ها سعی می‌کنند سن واقعی خود را نگویند اشاره کردم که «در مرز هشتاد سالگی» قرار دارم و اکنون با طلوع آفتاب نهم شهریور ۱۳۸۸ هشتاد سالگی را پشت سر می‌گذارم و شرمندهم که نتوانستم آن طور که باید و شاید به وظیفه خود عمل کنم و: گره از کار فرو بسته‌ای بگشایم. که باید گفت:

از آن دستی که ناید هیچ کاری

بود بر تن عجب بیهوده باری

۳- نویسنده در زیر نویس کتاب: (تاریخ مطبوعات کرمان) به موضوع طرح هیأت ۸ نفری پرداخته و علاوه بر مذاکرات مجلس و گزارش هیأت، آنچه را هم که مرحوم دکتر بقایی کرمانی که خود عضو این هیأت بوده در یک مصاحبه اختصاصی در سال ۱۳۶۲ در منزلش به این جانب اظهار داشته و با رعایت امانتداری بدون کم و کاست در آنجا آورده که در هیچ جایی نیامده است. صفحات ۲۱۱ الی ۲۱۷، همان

۴- به نقل از نشریه لغو امتیاز شده عماد مورخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۹.

۵- در حال حاضر سردفتر این دفترخانه، احمد محمدیان خراسانی است که پدرش پیشکار مرحوم آیت الله سید محمد بهبهانی بود. بهبهانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اولین روحانی سرشناسی بود که در سوم شهریور ۱۳۳۲ در کاخ سعدآباد به ملاقات شاه رفت. سید جعفر بهبهانی فرزند وی از دوره هجدهم تا بیستم از تهران به نمایندگی مجلس رسید ولی از جریان کنگره دهقانان که در دولت علم در ۱۹ دیماه ۱۳۴۱ در تهران تشکیل گردید و مواد شش‌گانه به تصویب رسید و رفاندوم عمومی در کشور برگزار شد آیت الله بهبهانی همراه با سایر علما به مخالفت با شاه برخاست و منزلش پایگاه مخالفان دولت و دربار شد. معزی‌آلیه در بیستم آبان ۱۳۴۲ در سن ۹۲ سالگی درگذشت و جنازه‌اش برای دفن به نجف اشرف حمل گردید. گفتنی است که خانه آیت الله بهبهانی که در محله «سرپولک» تهران قرار داشت از صدر مشروطیت تا زمان حیات بهبهانی مرکز رفت و آمد رجال ایران بود.

۶- دراصل به اشتباه (استثناء چیزی) آمده است.



قسمتی از رونوشت وصیت‌نامه مرحوم احمد خیامی

توضیح: ادامه مطالب مربوط به قرارداد ۱۹۱۹ به دلیل تراکم مطالب، در شماره‌های آتی به چاپ خواهد رسید.